

■ **احمد رضا صدری**

روزهایی که بر مای گذرد، تداعی گر چهل و دومین سالروز دستگیری و زندانی کردن امیرعباس هویدا به دستور محمدرضا پهلوی و در آغاز صدارت غلامرضا اژه‌اری است. شاید نخستین پرسش در این باره، این باشد که پهلوی دوم از چه روی، به چنین اقدامی دست زد و آیا از آن طرفی بست یا خیر؟ مقالی که پیش روی دارد، با استناد به پاره‌ای اطلاعات و تحلیل‌ها، سعی دارد تا به این پرسش پاسخ گوید. امید آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

■ **یک دستگیری به مثابه بهر سمیت شناختن فساد!**

بی‌تردید دستگیری امیرعباس هویدا در آبان ۱۳۵۷، نوعی به رسمیت شناختن فساد برای آرام ساختن جامعه و شکستن کاسه، کوزه مشکلات، بر سر نخست‌وزیر ۱۳ ساله پهلوی دوم بود. این اقدام اما، به رغم آنکه در ذات خود اذعان به حقیقتی بزرگ داشت اما برای همگان این پرسش مطرح بود که: از چه روی متهم ردیف دوم فساد در کشور دستگیر شده است؟ زهرا سعیدی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره می‌نویسد: «با تشکیل کابینه ارتشید اژه‌اری در آبان ۱۳۵۷، برخی سران حکومت پهلوی از جمله امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر پیشین رژیم پهلوی، دستگیر شدند و تحت نظر قرار گرفتند. در پی این سیاست نمایشی که جهت آرام ساختن اوضاع اجرا شد، افرادی که محبوبیت چندانی میان مردم نداشتند یا به فساد و سوءاستفاده مالی متهم بودند، محاکمه شدند. بر این اساس هویدا هم، که در ۱۳ سال نخست‌وزیری همواره با اتهامات و فسادهای سیاسی و اقتصادی فراوانی از سوی جامعه مواجه بود، دستگیر شد. دستگیری او به نوعی به رسمیت شناختن این فسادها بود. هر چند بعدها برخی در وا‌کاری و تحلیل اقدامات و سیاست‌های هویدا، از شکوفایی اقتصادی در این دوره ۱۳ ساله و اقدامات خاص او در پیشرفت کشور سخن گفته‌اند، نگارنده بر این باور است که فسادهای سیاسی و اقتصادی کشور در دوره نخست‌وزیری هویدا بیشتر از قبل بود و تنها گروه و طبقه خاصی از دستاوردهای رونق اقتصادی کشور بهره‌مند شدند. عده‌ای در تحلیل وضعیت اقتصادی کشور در دوران نخست‌وزیری هویدا بر شاخصه‌هایی چون کنترل تورم، گسترش صنایع و کار-خنجات، جاده‌ها و فرودگاه‌ها، خطوط ارتباطی تلفن، تلگراف، رادیو، تلویزیون و... اشاره می‌کنند. در این میان داستان تورم تکرریمی در دوره هویدا بیش از سایر شاخصه‌ها میان سیاست‌پسوسن شنیده می‌شود، در حالی که واقعیت

آن است که تورم کشور بعداز مدتی دورقمی شد و حتی زمانی که هویدا در سال ۱۳۵۶ نخست‌وزیری را تحویل اموزگار داد، نرخ تورم بالای ۲۰ درصد بود. در سایر بخش‌ها هم مشکلات زیادی وجود داشت، چنان که صنایع بدون نیازسنجی کشور و تدوین برنامه مناسب گسترش می‌یافت. طبق آمارهای موجود در این سال‌ها ۳۳ درصد واردات صرف واردات ماشین و اتومبیل و کالاهای لوکس، ۲۹ درصد مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌ها و ۲۴ درصد تجهیزات نظامی می‌شد. همچنین ۱۲ درصد از واردات نیز شامل واردات مواد غذایی بود. بررسی این آمار نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از سرمایه‌هایی که در کشور تولید می‌شده صرف خرید کالاهای خارجی لوکس که مخاطب آنها اقلشار خاصی بوده‌اند می‌شده است. درواقع می‌توان گفت این دوره از نظر فساد نیز ویژگی‌های خاص و شاخصی نسبت به سایر دوره‌ها داشت. گسترش رانت‌های بادآورده که طی آن بسیاری از اطرافیان و نزدیکان شاه از وام‌های کلان با بهره کمتر از تورم بهره‌مند می‌شدند، مشارکت اعضای دربار و نزدیکان محمدرضاشاه در پروژه‌های بزرگ اقتصادی که بدون هیچ گونه زحمتی به آنان واگذار می‌شد، تنها بخش کوچکی از این مشکلات است. این مسائل که درواقع می‌توان از آنان تحت عنوان فسادهای اقتصادی کلان نام برد، به قدری گسترش یافت که کنترل و مهار آن از دست هویدا هم خارج شد و از دید بسیاری از خارجیان حاضر در ایران نیز پنهان نماند. در یک نمونه می‌توان از تحلیل سینییا هلمز درباره فساد اقتصادی در دوره هویدا نام برد که به خوبی منعکس‌کننده وضعیت آن دوره است. وی در این باره آورده است: اعضای خاندان سلطنت و بسیاری دیگر دست‌اندرکار معاملات مربوط به پروژه‌هایی بودند که به مبالغ سرسام‌آوری سر می‌زد. با وجود کوشش گاه به گاه شاه و هویدا و دیگران برای کنترل وضع، فساد ابعادی بسیار گسترده پیدا کرد. مبالغ پیمان‌ها به قدری بزرگ بودند که حتی درصد کوچکی رشوه هم پول کلانی محسوب می‌شد. فردوست، از دوستان نزدیک شاه هم که از بسیاری از اتفاقات دربار و کشور آگاه بود، از این موضوع غافل نبوده و در تشریح گستردگی فساد در دوره هویدا آورده است: در دوره نخست‌وزیری هویدا همه می‌چاپیدند و هویدا کاملاً‌نسبت به این وضع بی‌تفاوت بود... در هیچ زمانی به اندازه دوران هویدا فساد گسترده نبود... امیرعباس هویدا ۱۳ سال در پست نخست‌وزیری، اداره کشور را بر عهده گرفت. این دوران به‌رغم آرامش ظاهری و نسبی سیاسی و اقتصادی، یکی از دوران پرچالش وبحث‌برانگیز سیاسی و اقتصادی است. در این دوره، علاوه بر گسترش فساد در ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی، وابستگی سیاسی به امریکا در قالب خریدهای تسلیحاتی، استخدام مستشاران نظامی و گرفتن وام‌های اقتصادی افزایش یافت و مسائلی چون جدایی بحرین از ایران نیز مطرح و اجرا شد. جدت در کنار این عوامل، برخی طرح‌های اقتصادی همچون ایجاد کارخنجات یا گسترش صنایع و... نیز اتفاق افتاد. واقعیت این است که بسیاری از این پروژه‌ها بدون برنامه‌ریزی دقیق و توجه به نیازهای واقعی جامعه انجام شد و بعدها عواقب بسیاری را متوجه مردم و کشور ساخت.»

■ **هویدا آفت فعل اختناق**

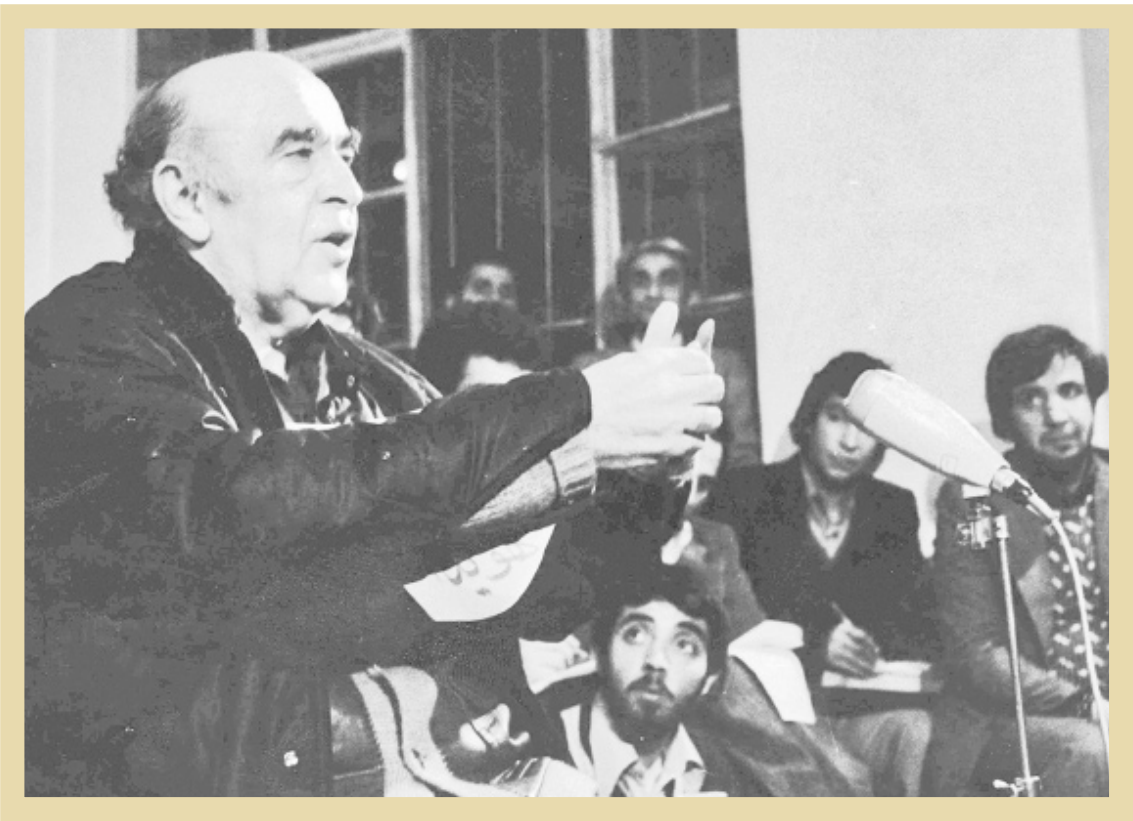
شاید برای بسیاری، حتی برخی کارگزاران حکومت پهلوی دوم، این پرسش پیش آمده باشد که چرا صدارت هویدا ۱۳ سال تداوم یافت؟ می‌توان پاسخ این پرسش را این‌گونه داد که وی در این دوره مطول، آفت فعل اوامر ملوکانه، به ویژه تداوم شرایط امنیتی‌ای بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برقرار شد. وحید بهرامی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، ماجرا را این‌گونه دیده است: «پس از تجربه دوران دکتر مصدق، محمدرضا شاه پست نخست‌وزیری را به صورت بالاترین مقام اداری بدون کمترین قدرتی در بنیان‌گذاری با تعیین خط و مشی سیاست مملکت درآورد. بر همین اساس از سال ۱۳۳۲ شمایل قدیمی خود، یعنی وزیر اعظم دوران قاجار می‌شد که در آن نخست‌وزیر تنها اجراکننده دستورات شاه بود. در میان نخست‌وزیران پس از مصدق، امیرعباس هویدانقش صدراعظم را به نحو احسن بازی کرد و به همین خاطر او این سمت را از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ بر عهده داشت و این طولانی‌ترین

نخست‌وزیری بدون وقفه در دوران پس از مشروطه

بود. این ۱۳ سال نخست‌وزیری هویدا را علاوه بر تملق و وفاداری به شاه، باید مرمون استعداد او در پیش‌بینی خواست‌های شاه و اجرای مؤثر آنها دانست. در این میان، عده‌ای به واسطه شخصیت گوش به فرمان بودن هویدا، سعی در تظلمیر او داشتند و بیان می‌کردند که هویدا تنها نخست‌وزیری اجراکننده فرمان و دستورات شاه بوده و نقشی در فسادها و سرکوب‌های حکومت پهلوی نداشته است. در ادامه این نوشتار قصد داریم تا به نقش مستقیم هویدا در سرکوب‌های دوران پهلوی بپردازیم و ببینیم که چگونه نام او با فسادهای دوران پهلوی گره خورده است. بعد از روی کار آمدن دولت هویدا در سال ۱۳۴۲، فشار بر مطبوعات چندین برابر شد و آزادی‌قلم از بین رفت به گونه‌ای که از این دوران به دوران سانسور و اختناق مطبوعات نام می‌برند. امیرعباس هویدا در طول دوران نخست‌وزیری، برخوردی دوگانه با مطبوعات رنهان و باطن داشت. او در ظاهر خود را دوستدار مطبوعات نشان می‌داد که گویی با نویسندگان و خبرنگاران حشر و نشر زیادی دارد و در ظاهر رعایت احترام به فرهنگیان می‌کرد اما در پس پرده در دوران نخست‌وزیری او تعداد زیادی از روزنامه‌ها و مجلات برای همیشه تعطیل و لغو مجوز شدند و اوج این سرکوب مطبوعات در سال ۱۳۵۳ اتفاق افتاد. در این سال هویدا به دلیل انتقاد مطبوعات به دولت او تصمیم به لغو امتیاز بیش از ۵۰ روزنامه و مجله گرفت و برای این کار با دکتر داریوش همایون، طرح انهدام مطبوعات را پی‌ریزی کرد و به مرحله اجرا درآورد. در میان مطبوعات توقیف شده، چند روزنامه و مجله بر تیراژ مانند سپید و سیاه، روشنفکر، تهران مصور، فردوسی، امید ایران و سالنامه دنیا دیده می‌شدند. در عوض هویدا در سال ۱۳۵۳، برای جریان کاستی مطبوعات و تبلیغ برای دولت خود، اقدام به حمایت از چند روزنامه و مجله تازه‌تأسیس کرد. از جمله روزنامه‌هایی که در دولت امیرعباس هویدا پسه کار خود ادامه داد و مورد حمایت دولت قرار گرفت، روزنامه آیندگان بود که مدیرعامل آن داریوش همایون از کمک‌کنندگان به هویدا برای اجرای طرح انهدام مطبوعات بود و این خود از طنزهای تاریخی است. باقی روزنامه‌ها و مجلات مستقل نیز تا زمان نخست‌وزیری هویدا تحت شدیدترین سانسورها قرار گرفتند به صورتی که بدون هماهنگی و اجازه با دفتر نخست‌وزیری نمی‌توانستند اخبار مهم داخلی کشور را پوشش داده و اطلاع‌رسانی کنند و بیشتر صفحات آنها مربوط به آگهی‌های تسلیت و اعلانات ترحیم و از همه مهم‌تر

سارویخ

کفتو کو ۸۸۴۹۸۴۳۷



نظری بر علل و بسترهای به زندان انداختن امیرعباس هویدا توسط پهلوی دوم

قربانی کردن چاکر برای بقای ذات ملوکانه!

آگهی‌های تریک و تهنیت پست و مقام‌های درباریان و شادباش‌های مخصوص محمدرضا پهلوی می‌شد. در مجموع در دوره امیرعباس هویدا، دولت با به‌کارگیری شیوه‌های مختلف از قبیل ارباب و حبس و تهدید و ممنوع‌القول کردن روزنامه‌نگاران و همچنین با حق سکوت دادن و سردبیر گماشتن و توقیف روزنامه‌ها و گذشتن سیاه‌ترین دوران اختناق فکری تاریخ معاصر را به مرغان آورد. از اوایل ۱۳۵۶، ستاره بخت هویدا به‌سرعت رو به افول نهاد. از یک‌سو دولت تازه امریکا به ریاست کاتر، عدم رضایت خود را از روند اوضاع آشکار ساخته و خواهان رفتندی جدید به خط‌مشی دولت ایران، به‌خصوص در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی بود و از سوی دیگر علائم بحران اقتصادی، که حاصل ریخت‌وپاش‌های گسترده و برنامه‌ریزی‌های غلط بود، به تدریج آشکار می‌شد. اواخر حکومت محمدرضا پهلوی دیگر خبری از رشد سرسام‌آور درآمدهای نفتی نبود که بتوان با آن هزینه‌های گزاف را برای ارتز و اهمیت‌سنی پول‌های بی‌حساب، روی مشکلات سرپوش گذاشت. نا رضایتی توده‌ها رو به فزونی بود و شاه بیم آن را داشت که دال‌های سرگشته حکومت پهلوی از چه گفتمانی برپاید. هر چند اسدالله علم معتقد بود عدم رضایت در جامعه ناشی از فشارهای خارجی و رخنه مجوز شدند و اوج این سرکوب مطبوعات در سال ۱۳۵۳ اتفاق افتاد. در این سال هویدا به دلیل انتقاد مطبوعات به دولت او تصمیم به لغو امتیاز بیش از ۵۰ روزنامه و مجله گرفت و برای این کار با دکتر داریوش همایون، طرح انهدام مطبوعات را پی‌ریزی کرد و به مرحله اجرا درآورد. در میان مطبوعات توقیف شده، چند روزنامه و مجله بر تیراژ مانند سپید و سیاه، روشنفکر، تهران مصور، فردوسی، امید ایران و سالنامه دنیا دیده می‌شدند. در عوض هویدا در سال ۱۳۵۳، برای جریان کاستی مطبوعات و تبلیغ برای دولت خود، اقدام به حمایت از چند روزنامه و مجله تازه‌تأسیس کرد. از جمله روزنامه‌هایی که در دولت امیرعباس هویدا پسه کار خود ادامه داد و مورد حمایت دولت قرار گرفت، روزنامه آیندگان بود که مدیرعامل آن داریوش همایون از کمک‌کنندگان به هویدا برای اجرای طرح انهدام مطبوعات بود و این خود از طنزهای تاریخی است. باقی روزنامه‌ها و مجلات مستقل نیز تا زمان نخست‌وزیری هویدا تحت شدیدترین سانسورها قرار گرفتند به صورتی که بدون هماهنگی و اجازه با دفتر نخست‌وزیری نمی‌توانستند اخبار مهم داخلی کشور را پوشش داده و اطلاع‌رسانی کنند و بیشتر صفحات آنها مربوط به آگهی‌های تسلیت و اعلانات ترحیم و از همه مهم‌تر

■ **افول ستاره سپر بلای همایونی!**

جماعتی که برای حکومت‌های وابسته و غیرمردمی کارسازی می‌کنند، باید خویش را برای عزل‌ها یا زندان‌ها، از نوعی که برای امیرعباس هویدا پیش آمد، آماده سازند. داستانی که به شرح ذیل، به قلم سیدمرتضی حافطی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران آمده است: «روپاریوی با سیاست حقوق بشر کارتر بود که شاه را واداشت دست به تغییر در سیاست‌های خود بزند. در چنین شرایطی راهبرد دو گانه شاه اقتضا می‌کرد که در مقابل دشمن قوی سر فرود



امیرعباس هویدادر حال معرفی روزه‌نامه محمدرضا پهلوی

آورد و وقتی رضایت آن دشمن حاصل شد، دشمن ضعیف را سرکوب کند. نخستین کسی که فرهای روز انتخاب کارتر به ملاقات شاه رفت، تنها مشاور او اشرف بود که در آنجافرست یافت تار برای بار چندم به شاه یادآوری کند که باید هویدا را از صدارت بردارد و به‌جای او آموزگار را بگذارد. به هر حال تاریخ مصرف نخست‌وزیری که دوران صدارت طولانی داشت به پایان رسید و عزل او به امریکایی‌ها نسبت داده شد. در این زمینه یکی از منابع دیپلماتیک امریکافاظهار داشت که دولت امریکا به طور جدی تعویض کابینه هویدارا از شاهنشاه از ریامهر خواستار شد. اساساً کارتر از مخارجی که دولت ایران به نفع فرد (رقب انتخاباتی کارتر) خرج کرده فوق‌العاده ناراحت و عصبانی بود. بر همین اساس حاصل مذاکراتی که شاه با مقامات امریکایی برای ارضای خواستار شد، به تدریج آشکار آن شد که شاه در بدترین لحظات هویدا را قربانی و آموزگار را به‌جای وی منصوب کند. شاه انگیزه خود در برکناری هویدا و انتخاب آموزگار به نخست‌وزیری را بدین شرح بیان کرده است: در تابستان ۱۳۵۶ش احساس کردم مشکلات تازه‌ای در پیش دارم و برخی تغییرات سیاسی ضرورت دارد. هویدا از سال ۱۳۴۲ ش نخست‌وزیر بود و دوران رمامداری او، از همه نخست‌وزیران دیگر قبل او طولانی‌تر شده بود. وی نیز با استعداد و هوشمندی خاص خود، احساس می‌کرد که دوران رمامدارش طولانی شده است. هنگامی که از او خواستم استعفا کند، با نوعی آرامش خاطر به من گفت هیچ نخست‌وزیری نباید بیش از پنج سال به کار ادامه دهد... امیرعباس هویدا که در این مدت طولانی از هیچ کوششی برای بقای سلطنت شاه دریغ نکرد، اینک قربانی جاه‌طلبی‌های شاه قرار گرفت و به‌خاطر مشکلات ناشی‌ده اقتصادی و فشارهای موقت ایالات متحده، سبیر بلا واقع شد. درست در همان روزهایی که شاه با وسوسه برکناری هویدا دست و پنجه نرم می‌کرد، هویدا به‌غلط می‌پنداشت که به حمایت خلل‌ناپذیر شاه مستظفر است، غافل از اینکه شاه برای نشان دادن حسن نیت خود به نیروهای مخالف داخلی و خارجی لازم بود کسانی از رده‌های بالای نظام را قربانی کند که این بار قرعه به نام هویدا افتاده بود. اما تغییر هویدا را نخست‌وزیری بیش از پیش شاه را در گرداب حوادث افکند. شاه فکر می‌کرد با تغییر نخست‌وزیری می‌تواند به مقدار زیادی از فشارهای داخلی و خارجی بکاهد، غافل از آنکه تغییر نخست‌وزیر، هویدا، بی‌ثباتی و تزلزل رژیم شاه را اثبات و سیریت تحولات و حوادثی را که منجر به بروز انقلاب اسلامی در ایران شد تسریع کرد.»

پیش‌خوارات

به بهانه انتشار خاطرات

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی

خاطره گویی در بستر تاریخ معاصر ایران

■ **محمدرضا کائینی**



اثری که هم‌اینگ در معرفی آن سخن می‌رود، مجموعه ای از خاطرات فردی و اجتماعی-حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی از روحانیون و انقلابی معاصر است. در افواه عمومی، نام وی با دعوت از امام خمینی برای سکونت در منطقه جماران تهران و واگذاری منزل خویش به ایشان، درآمیخته است. ویژگی این کتاب، بازگویی پادها و یادمان‌های رازی، در بستر تاریخ معاصر ایران و به تعبیر دیگر، خوانش این تاریخ از منظری فردی است. امام جمارانی در دیباچه خویش بر این اثر، در باب محتوا و چند و چون تدوین این اثر تاریخی، چنین آورده است: «کتابی که در مقابل شماسبت بخشی از خاطراتم و اتفاقاتی است که در دوران زندگی شاهد آن بوده‌ام. در این کتاب مختصری درباره کودکی خاندان و محله‌ای که در آن متولد شده‌ام و با مردمان خوب آن زندگی کرده‌ام و آنچه از دوران تحصیل و آشنایی‌ام با مسائل سیاسی در ذهن داشتم‌ام بازگو نموده‌ام، سپس به تحولات نهضت امام خمینی، رخدادها و حوادث سیاسی و تحولات اجتماعی پس از پیروزی انقلاب و نیز کارنامه و عملکردم در زمان ریاست بر سازمان حج و اوقاف پرداخته‌ام. نگارش این کتاب داستانی دارد که



■ **۱۳۶۰. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی در کنار امام خمینی به کایشرکت ایشان در انتخابات ریاست جمهوری**

ایشان دارم و جاداشت با ذکر نام و خدمات آنان شرط دوستی را به‌جا آورم ولی این مجموعه گنجایش آن را نداشت و بنابراین از همه آنان ضمن اعتذار، سپاسگزاری و قدردانی می‌نمایم.»

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی در بخش پایانی مقدمه خویش، فعالان تدوین و آمادسازی مجموعه خاطرات خویش را، به شرح ذیل معرفی و از ایشان تقدیر نموده است: «زحمت مدیریت، نظارت و تنظیم کتاب و نیز مرزین نمودن این مجموعه به تصاویر تاریخی و خانوادگی را فرزندم سیدعباد جمارانی طی این سال‌ها بر عهده داشت و از این جهت نقش مهمی در به ثمر رسیدن آن ایفا نمود که انصاف در این است که از وی تقدیر و سپاسگزاری ویژه‌ای داشته باشم. همچنین در اینجا لازم می‌دانم از همه دوستانی که در ثبت، تصحیح و نشر این خاطرات نقشی داشته‌اند تشکر و سپاسگزاری کنم، از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) که ضبط و پیاده‌سازی بخش‌هایی از این خاطرات و انتشار آن را بر عهده داشتند، از دوست فاضل و ارجمندم جناب حجت‌الاسلام آقای محمدعلی خسروی که علاوه بر همت اولیه‌ای که برای ضبط خاطرات داشتند در بازبینی کتاب در مراحل نهایی نیز زحماتی را متقبل شدند، از جناب آقای دکتر داستانی، معاونت محترم پژوهشی مؤسسه نشر آثار امام، از جناب آقای فاضل و ارجمند، جناب آقای دکتر صادق عبادی، و با همت و زحمت ایشان طی ۳۰ جلسه به تکمیل خاطرات خود پرداختم. بعد از پیاده‌سازی و دسته‌بندی و تدوین اولیه کار توسط ایشان، باز هم نواقصی در کل مجموعه دیده می‌شد که با توجه به وضعیت جسمی من امکان مصاحبه مجدد نبود، بنابراین با توصیه خود من قرار شد فرزندم نواقص موجود در خاطرات را از میان خاطراتی که قبلاً و طی